



An Analysis on the Use of Social Benefits in the Constitution of the Islamic Republic of Iran

Javad Arbab ^{1*} , Syed Hadi Arabi ² 

1- Assistant Professor and Researcher, Department of Islamic Economics, Hozah Research Institute and University, Qom, Iran

2- Associate Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, Farabi Campus of University, Tehran, Iran

DOI: [10.22034/qjplk.2024.1873.1698](https://doi.org/10.22034/qjplk.2024.1873.1698)

Abstract

Social benefits are one of the important topics of distributive justice discussed in the field of social justice. For instance, criteria of distribution and entitled groups as three issues of distributive justice are always discussed and investigated socially and legally. The importance of the answers to the mentioned issues will be decisive in the way people benefit from wealth, positions and the presentation of justice indicators. Considering the importance of public goods issues in public law, the main problem of the current research is to identify, explain and answer the mentioned issues from the perspective of the constitution. In this paper, using content analysis method, the titles of social gifts and related issues were analyzed and researched. The results show that according to the constitution, many titles are included under the title of social benefits. These benefits should be distributed in target communities based on criteria such as equality of opportunity, equality of opportunity, legal equality and general equality. Considering these gifts and revisiting its examples will create a suitable platform for a better understanding of the constitution and a more correct establishment of other policies and instruments in related fields.

Keywords

Common Good, Constitutional Law, Distributive Justice, Social Benefits, Distribution Criteria.

* Email: Javadarbab@rihu.ac.ir (Corresponding Author)





تحلیلی بر کاربرد «مواهب اجتماعی» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جواد ارباب^{*۱} ID، سیدهادی عربی^۲ ID

۱. استادیار و پژوهشگر گروه اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

۲. دانشیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده مدیریت و علوم اقتصادی، دانشگاه قم، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/qjplk.2024.1873.1698](https://doi.org/10.22034/qjplk.2024.1873.1698)

چکیده

مواهب اجتماعی از عناوین مهم عدالت توزیعی است که در حوزه مباحث عدالت اجتماعی مطرح می‌شود. مصادیق، ملاک‌های توزیع، و گروه‌های دارای استحقاق به عنوان مسائل سه‌گانه عدالت توزیعی همواره مورد بحث و بررسی اجتماعی و حقوقی است. پاسخ به مسائل یادشده در نحوه بهره‌مندی افراد از ثروت‌ها، موقعیت‌ها، و ارائه شاخص‌های عدالت تعیین‌کننده خواهد بود. با توجه به اهمیت مباحث مواهب عامه در حقوق عمومی، مسئله اصلی پژوهش حاضر شناسایی و تبیین و پاسخ به مسائل سه‌گانه یادشده از منظر قانون اساسی است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا عناوین مواهب اجتماعی و مسائل مرتبط با آن مورد تحلیل و پژوهش قرار گرفت. نتایج بیانگر آن است که بر مبنای قانون اساسی عناوین متعددی ذیل عنوان مواهب اجتماعی قرار می‌گیرند. این مواهب باید بر اساس ملاک‌هایی چون برابری فرصت، برابری برخورداری، و برابری قانونی در جوامع هدف توزیع شوند. توجه به این مواهب و مرور مجدد مصادیق آن بستر مناسبی برای شناخت بهتر قانون اساسی و بنا نهادن صحیح‌تر سایر سیاست‌ها و اسناد در حوزه‌های مرتبط ایجاد خواهد کرد.

کلیدواژگان: خیرات مشترک، عدالت توزیعی، قانون اساسی، معیار توزیع، مواهب اجتماعی.



مقدمه

شئون گوناگون عدالت گستره حیات اجتماعی بشری را در بر می‌گیرد. برپایی عدالت به عنوان یکی از برنامه‌های محوری الهی برای رشد و تکامل اجتماعی در قرآن کریم مورد تأکید و به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی بعثت انبیای الهی مورد توجه قرار گرفته است.^۱ تعیین کیفیت و کمیّت بهره‌مندی از نعمت‌های بی‌شمار الهی برای زمینه‌سازی رشد و تعالی انسان از مسائل مهم مطرح در دایره مفهومی عدالت به شمار می‌رود. این نعمت‌ها مصادیق متعدد مادی و معنوی-مانند منابع طبیعی، محیط زیست، فرصت‌ها، مناصب، و موارد مشابه- را در بر می‌گیرد که در اصطلاح از آن‌ها به خیرات مشترک یا مواهب عامه یاد می‌شود. در این خصوص عدالت می‌تواند بر اساس سه صفت جبرانی^۲، رویه‌ای^۳، و توزیعی^۴ تفکیک شود و مورد بررسی قرار گیرد. آنچه در عدالت جبرانی دنبال می‌شود ناظر به جبران خسارت‌ها و آسیب‌های ناشی از ظلم و بی‌عدالتی‌های صورت‌گرفته در قبال افراد و جامعه است. عدالت رویه‌ای نیز عدالت را به عنوان معیار و مناطی برای بررسی توافقات و پیمان‌ها و قضاوت‌ها مطرح می‌کند. و در نهایت عدالت توزیعی حاکی از اصول و معیارهای حاکم بر توزیع مواهب و تکالیف اجتماعی است. عدالت به طور عام و عدالت اقتصادی به طور خاص با توزیع منافع و تکالیف سروکار دارد (عربی، ۱۳۹۵: ۲-۳). در بین سه رویکرد یادشده عدالت توزیعی یکی از مباحث مهم میان‌رشته‌ای در حوزه‌های حقوقی و اقتصادی است که برای بهره‌مندی عادلانه از مواهب و نیز مشخص کردن تکالیف اجتماعی مورد بحث و پژوهش قرار می‌گیرد. افزایش شواهد تجربی و آثار نابرابری‌های اقتصادی موجب شده، برخلاف تمایل اولیه، اقتصاددانان مطالعات خود را در حوزه عدالت توزیعی گسترش دهند و مجموعه وسیع‌تری از نگرانی‌های توزیعی را بررسی کنند. اما، با وجود افزایش مطالعات، هنوز اراده قابل قبولی میان اقتصاددانان و سایر پژوهشگران علوم اجتماعی وجود ندارد (Konow, 2003: 1188). مصادیق، ملاک‌های توزیع، و گروه‌های هدف و دارای استحقاق سه رکن اصلی نظام مسائل عدالت توزیعی را تشکیل می‌دهند. از این رو برای پرداختن به موضوع اصلی عدالت توزیعی- چگونگی توزیع مواهب و تکالیف اجتماعی- باید مصادیق و ملاک‌های توزیع و گروه‌های هدف و دارای استحقاق را مشخص کرد.

با توجه به اینکه عنوان کلی مواهب طیف وسیعی از مصادیق مادی و معنوی را برای توزیع

شامل می‌شود، برنامه‌های بالادستی و کلان، قوانین عالی، و آیین‌نامه‌های اجرایی در حوزه‌های گوناگون یک نظام اجتماعی نسبت به توزیع آن‌ها ساکت نیستند و معیارهای مشخصی را ارائه می‌کنند. بر این اساس مسئله اصلی این مقاله به طور خاص شناسایی و تبیین و پاسخ به مسائل سه‌گانه مطرح در ساختار عدالت توزیعی از منظر قانون اساسی است. در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل محتوا به این مهم پرداخته می‌شود که از نظر قانون اساسی مواهب عامه چه مصادیقی دارند، ملاک‌های توزیع این مصادیق کدام‌اند، و چه گروه‌هایی در ارتباط با آن‌ها ذی‌حق محسوب می‌شوند.

پاسخگویی به پرسش‌های یادشده از آن جهت ضرورت دارد که بدون درک صحیح از دیدگاه قانون اساسی، در زمینه مصادیق و معیارها و گروه‌های هدف، توزیع عادلانه مواهب عامه که شامل گستره وسیعی از منابع و موقعیت‌ها و فرصت‌های مادی و معنوی می‌شود امکان‌پذیر نخواهد بود. در این میان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان بالاترین سند حقوقی کشور و میثاق و مرجع آرمان‌ها و طرح‌ها و برنامه‌های نظری و اجرایی کشور، برای پیشبرد اهداف متعالی، با هدف اتصاف فردی و اجتماعی انسان به ارزش‌های الهی، در ارتباط با مسائل عدالت توزیعی خط‌مشی مشخصی را ارائه کرده است. آماده‌سازی بسترهای قانونی برای بهره‌مندی از «مواهب عامه» یکی از موضوعات مهم در قانون اساسی به شمار می‌رود.

در ادامه، پس از معرفی مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش و تبیین چارچوب مفاهیم برای تبیین دیدگاه قانون اساسی در قبال «مواهب اجتماعی» نخست به این مهم پرداخته می‌شود که در قانون اساسی مواهب اجتماعی به چه مواردی اطلاق می‌شود. سپس معیار توزیع مواهب مورد بحث قرار می‌گیرد. در نهایت جامعه هدف مواهب اجتماعی تبیین می‌شود.

۱. پیشینه بحث

بررسی پژوهش‌های صورت‌گرفته مرتبط با موضوع مقاله نشان داد تاکنون اثری به بررسی و تحلیل کاربرد مواهب اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نپرداخته است. با وجود این، به برخی از موارد مشابه در این حوزه اشاره می‌شود.

کدخدایی و عباسیان (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی نظری عدالت اقتصادی در پرتو کارآمدی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» رابطه عدالت اقتصادی و کارآمدی نظام در مطالعات مربوط به مبانی نظری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در سه رویکرد بی‌طرفی

و تقابل و هماهنگی اغلب بر مبنای رویکرد هماهنگی مطرح کرده‌اند. از نظر آن‌ها با وجود هماهنگی بین عدالت اقتصادی و کارآمدی در مطالعات نظری، در مقام عمل، تحقق عدالت و ارتقای کارآمدی نظام با چالش‌های جدی مواجه است. به علاوه، به موجب قانون اساسی و مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی آن قانون، عدالت اقتصادی با عناصر مقوم کارآمدی اقتصاد مانند کارایی هماهنگ و هم‌سو لحاظ شده‌اند که می‌توانند در کنار یک‌دیگر پایداری یک نظام سیاسی را رقم بزنند. با وجود این، به لحاظ مطالعات اقتصادی در حوزه قوانین عادی، مانند قوانین مالیاتی، تقابل و تضاد میان عدالت اقتصادی و عناصر زیرمجموعه کارآمدی اقتصادی ملاحظه می‌شود. بنابراین ضرورت دارد با توجه به هماهنگی موجود بین عدالت اقتصادی و کارآمدی اقتصادی در اسناد فرادستی، در سطوح نازل‌تر قانونگذاری و اجرایی نیز بیشترین کوشش جهت ایجاد تعادل بین مؤلفه‌های بعضاً در تضاد با هم صورت پذیرد.

حاجی‌لویی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی اهداف عدالت‌ورزانه حکومت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نهج‌البلاغه» اشتراک چارچوب‌های نظری و روش‌های حکومتی در موضوع عدالت را در دو منبع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نهج‌البلاغه بررسی کرده و به مطالعه تطبیقی این دو منبع در زمینه عدالت‌ورزی در عرصه‌های گوناگون حکومت پرداخته و بدین نتیجه دست یافته که هر دو در زمینه عدالت‌ورزی، به عنوان یکی از بایسته‌ها و اهداف حکومت، دارای پیوند معنادار و نگاه مشابه هستند. این اشتراکات در سه ساحت عدالت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی شامل مصادیق شایسته‌سالاری، دفاع از حقوق همه مسلمانان، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، حرمت انسان‌ها، آزادی بیان و عقاید، و تساوی انسان‌ها در بهره‌مندی از حقوق و اموال عمومی و امکانات است.

صمیمی و همکارانش (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی اقتصاد بخش عمومی در الگوی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های رفاه» به مقایسه الگوی بخش عمومی در الگوهای اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های رفاه، بر اساس اصول و اهداف دو الگو، و قواعد اقتصادی حاکم بر اقتصاد بخش عمومی پرداخته‌اند. از نظر نویسندگان، در چارچوب نظام اقتصادی قانون اساسی، قابلیت جبران کاستی‌های موجود در بخش عمومی وجود دارد.

پیله‌فروش (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی توسعه اقتصادی قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران» با اشاره به اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای همه قلمروها، اعم از سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، الگویی برای زندگی جمعی وجود دارد، هدف نهایی نظام‌مند قانون را زمینه‌سازی رشد و تعالی و پیشرفت انسان و ساخته شدن «انسان کامل» معرفی و وظایف تعیین شده برای دولت در قانون اساسی را در قالب «الگوی تأمین نیازهای اساسی» احصا کرده است. در این الگو، دولت وظیفه دارد همه امکانات کشور را در جهت رفع نیازهای اساسی (شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش، امکانات تشکیل خانواده، تربیت بدنی، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل، برخورداری از تأمین اجتماعی) همه افراد جامعه به کار گیرد.

کاکا (۱۳۹۳) در رساله خود با عنوان «جایگاه عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر» مفهوم عدالت را قرار گرفتن هر چیز در جای خود یا دادن حق به ذی‌حق و نیز برابری در فرصت‌های گوناگون مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی برای همگان تعریف کرد و از مواردی چون حق زیست عادلانه (حداقل‌های معیشتی)، حق بهداشت و درمان، حق آموزش و پرورش، حق تأمین اجتماعی، و حق کار و اشتغال به عنوان شاخص‌های عدالت یاد کرد. از نظر وی این شاخص‌ها زمانی محقق می‌شود که همه افراد ملت از حیث دارا بودن کرامت انسانی و عضویت در جامعه به طور برابر امکان بهره‌برداری داشته باشند. از این رو تعهد دولت در قبال شناسایی و حمایت از این حقوق از نوع ایجابی است.

بجنوردی و سلمانیان (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی فقهی-حقوقی حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» حقوق عامه را در سه محور مساوات، امنیت، و آزادی تقسیم کرده و مورد مطالعه قرار داده‌اند. نگارندگان، پس از بیان این سه مفهوم، آن‌ها را از نظر فقهی و حقوقی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده‌اند.

هر یک از مطالعات انجام‌شده با پرداختن به یکی از مسائل مرتبط با مباحث عدالت در قانون اساسی درصدد پاسخگویی به سؤال اصلی خود بوده‌اند. اما از آنجا که پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سه مسئله اصلی (مصادیق، معیارها، و جامعه دارای استحقاق) در حوزه عدالت توزیعی از دیدگاه قانون اساسی است با سایر مطالعات تفاوت اساسی دارد.

۲. مفهوم «مواهب اجتماعی»

مفهوم مواهب اجتماعی به عنوان یکی از عناصر اصلی متعلق توزیع، از مفاهیم مهم در مباحث عدالت به شمار می‌رود. مواهب جمع کلمه «موهبت» و در لغت به معنای بخشش‌ها و انعام‌ها است (معین: ۱۳۸۶). مواهب در اصطلاح هم‌معنی با کلمه «خیرات» استفاده می‌شود. مواهب در میان آثار اندیشمندان مسلمان مورد اشاره بوده است. مثلاً فارابی مواهب عامه را شامل سلامتی، مال، کرامت، مقام و مرتبه، و سایر خیراتی بیان می‌کند که همه شهروندان می‌توانند در آن‌ها سهم داشته باشند؛ از نظر وی در یک جامعه همه افراد سهمی از خیرات دارند که اگر در ادای آن قصور یا تعدی صورت گیرد ظلم و عدول از عدالت خواهد بود. وی معتقد است کاستن از آن ظلم بر صاحب حق و افزایش آن ظلم بر دیگر شهروندان به شمار می‌رود و برای برپایی عدالت باید مواهب اجتماعی بین همه شهروندان تقسیم شود و سپس تلاش شود از این خیرات محافظت به عمل آید و حقوق همه افراد محفوظ بماند (الفارابی، ۱۳۶۳: ۷۲). خواجه نصیرالدین طوسی نیز از جمله اندیشمندانی است که در این حوزه ورود کرده است. از نظر وی خیرات مشترک عبارت است از: سلامت و اموال و کرامات. هر یک از افراد جامعه از این موارد سهمی دارند، به گونه‌ای که افراط و تفریط در اعطای آن موجب خارج شدن از دایره اعتدال می‌شود و در نتیجه جامعه با هرج و مرج مواجه خواهد شد. اگر خیرات مشترک به شخصی کم برسد، به آن شخص ستم شده است و اگر به شخصی زیاد برسد، به جامعه و شهروندان ستم شده است. وی معتقد است: «چون (حاکم) از قسمت خیرات فارغ شود، محافظت آن خیرات کند بر ایشان و آن‌چنان بود که نگذارد که چیزی از این خیرات از دست کس بیرون کنند بر وجهی که مؤدی بود به ضرر او یا ضرر مدینه. اگر بیرون شود، عوض به او رساند از آن جهت که بیرون کرده باشند.» (طوسی، ۱۳۶۴: ۳۰۷).

در علم اقتصاد به بحث حول کالای عمومی^۵ پرداخته می‌شود. در این حوزه با وجود اینکه کالای عمومی برای بسیاری از انسان‌ها ضروری است، غالباً در ساختار بازار و بخش خصوصی انگیزه کافی برای تأمین آن وجود ندارد. چون ماهیت این نوع کالاها به گونه‌ای است که افراد، پس از ساخته شدن، حاضر نیستند قیمت آن را بپردازند (دادگر و رحمانی، ۱۳۸۴: ۲۱۵). از این رو سوءاستفاده از آن‌ها با مخاطراتی همراه است. با این حال در عدالت توزیعی مواهب اجتماعی محدود به کالاهای عمومی نیست. بخشی از مواهب، مانند درآمد و ثروت، کاملاً

اقتصادی است و بخشی هم، مانند آموزش و سلامت، کاملاً اجتماعی به شمار می‌رود. صرف‌نظر از اینکه این‌ها خصوصی یا عمومی باشند متعلق نظریات عدالت توزیعی هستند. علت این تعلق را باید در این نکته جست‌وجو کرد که حتی در مورد برخی کالای خصوصی توزیع ناعادلانه آن‌ها مناقشات اجتماعی بسیاری به دنبال دارد. در عدالت توزیعی منظور از مواهب عامه هر آن چیزی است که به نوعی برای انسان‌ها خیر محسوب می‌شود و رشد مادی و معنوی بشر به نوعی متوقف بر آن است. این خیرات برای همه مفید است و تأثیر بسزایی در شکوفایی و سعادت انسان‌ها دارد. از این رو لازم است در دسترس همگان قرار گیرد و بهره آن به طور منصفانه توزیع شود. از طرفی، به سبب محدودیت در دسترسی به مواهب، امکان رقابت افراد برای برخورداری از مواهب با یک‌دیگر منتفی نیست (عربی، ۱۳۹۵: ۳-۵). ممکن است برخی از مواهب به سبب فراوانی به صورت رایگان به صورت خدادادی برای همگان در دسترس باشد که در این صورت از موضوع عدالت توزیعی خارج خواهد بود. بنابراین رویکرد مقاله تبیین آن دسته از مواهبی است که به دلیل وجود محدودیت لازم است به صورت عادلانه توزیع شوند.

۳. مسائل مواهب اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۳-۱. مواهب اجتماعی در قانون

اموال و انواع ثروت‌های عمومی بسیاری در دین مبین اسلام به عنوان مواهب اجتماعی شناخته می‌شود که موجب شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به تأمین و توزیع آن اهتمام خاصی وجود داشته باشد. هرچند بسیاری از مواهب اجتماعی مشترک را می‌توان به‌صراحت در بندهای قانون اساسی مشاهده کرد، لازم است به این نکته توجه کرد که در مباحث عدالت توزیعی آنچه از اهمیت اساسی برخوردار است لزوم برابری فرصت‌ها است. عدالت توزیعی فقط به دنبال برقراری عدالت به عنوان یک فرصت قانونی صوری^۶ نیست؛ آنچه مورد اهتمام قرار دارد عدالت به مثابه یک فرصت قانونی واقعی^۷ است. فرصت قانونی واقعی زمانی تحقق می‌یابد که امکان عملی استفاده برای افراد محقق ایجاد شود. در غیر این صورت نمی‌توان از این امکانات استفاده کرد. توجه به این مهم از نگاه قانون‌گذار مغفول نمانده است. شاهد این امر را می‌توان در اصول ۲ و ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد؛ در اصل ۲ مبانی و روش‌ها و اهدافی چون تأمین قسط و عدل و استقلال سیاسی

و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مشخص شده است و اصل ۳ دولت را مکلف کرده برای رسیدن به اهداف غایی مطرح در اصل ۲ به سمت رسیدن به اهدافی میانی حرکت کند. در اصل ۳ آمده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل ۲ همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛
۲. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر؛
۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛
۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی، و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان؛
۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛
۶. محور هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛
۷. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛
۸. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی خویش.
۹. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی؛
۱۰. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور؛
۱۱. تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور؛
۱۲. پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه؛
۱۳. تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها؛
۱۴. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون؛

۱۵. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم؛

۱۶. تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان، و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

از این رو آنچه به عنوان اهداف غایی در اصل ۲ (تأمین قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی) و موارد شانزده گانه اصل ۳ بیان شده است، در واقع، مواهبی هستند که قانون اساسی درصدد بیان تکلیف قانونی در زمینه ترویج و اشاعه و تأمین آنهاست. اینکه قانون اساسی تکالیفی را برای دولت معین کرده (دولت موظف است) و برخی از این تکالیف ایجابی^۸ هستند بیانگر آن است که نگاه قانون اساسی به حقوق برخلاف اختیارگرایان^۹ منفی نیست؛ بلکه قانون اساسی حقوق را مثبت تلقی می کند. در نگرش لیبرالیستی، دولت‌ها در زمینه بسیاری از تکالیف ایجادشده در بندهای یادشده نگرشی سلبی دارند و اساساً در خصوص عدالت این نگرش را دنبال می کنند که عدالت ذاتاً یک فضیلت سلبی^{۱۰} است. به عبارت دیگر دولت در این نگاه برای ایجاد عدالت موظف به عدم دخالت در بسیاری از امور است و به تبع این دیدگاه وظیفه و تکلیفی در قبال موقعیت‌های ناعادلانه احساس نمی کند و از منظر حقوقی نیز باری به دوش نمی کشد (عربی، ۱۳۹۵: ۵). اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی دولت نگرشی ایجابی به حقوق دارد و خود را موظف به انجام دادن تکالیف تعریف شده در قبال مردم و جامعه می داند (کعبی، ۱۳۸۳: ۶). مطابق نگرش ایجابی، تنها رعایت حقوق موجود برای تحقق عدالت کافی نیست؛ بلکه ابتدا باید روابط عادلانه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مشخص و مطابق با آن روابط حقوقی عادلانه وضع شود و هدف ایجاد روابط عادلانه است (کمپل، ۲۰۰۱: ۳).

آزادی‌های قانونی

با توجه به ایجابی بودن نظر قانون اساسی نسبت به وظایف تعیین شده دولت در حوزه عدالت، می توان مفاد وظایف را در سایر بندها مشاهده کرد و به طور خاص در ضمن بیان این وظایف به مصادیق مواهب اجتماعی در قانون اساسی دست یافت. با توجه به اهداف مشخص شده در اصول ۲ و ۳ و وظیفه قطعی دولت برای تمهید و تأمین آنها می توان این برداشت را ارائه کرد که از دیدگاه قانون اساسی موارد نوزده گانه مندرج در اصول یادشده خیرات و مواهب عام محسوب می شوند. از این رو مصادیقی چون تأمین محیط اخلاقی، آگاهی‌های

عمومی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان در همه سطوح، تقویت پژوهش، استقلال ملی همه جانبه، آزادی های سیاسی و اجتماعی، فراهم کردن امکان مشارکت، آموزش نظامی عمومی، امنیت، مسکن، خوراک، بهداشت، تأمین اجتماعی، اشتغال، برادری اسلامی و تعاون عمومی، و فراهم ساختن دستگاه دیپلماسی کارا بر اساس معیارهای اسلامی از مواهب عام مد نظر قانون اساسی است که حاکمیت موظف به ایجاد بسترهای لازم و تحقق آنها شده است.

آموزش و پرورش

در بند ۳ آمده است: «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی». قیودی چون «رایگان» و «برای همه» گواهی روشن برای آن است که آموزش و پرورش و تربیت بدنی را از مواهب اجتماعی محسوب کنیم. البته در این بند در مورد آموزش عالی، لسان قانون، انجام دادن اقداماتی در جهت تسهیل و تعمیم بیان شده است. بنابراین می توان از مفاد درج شده در این بند به خوبی فهمید که برای آموزش و پرورش گویا ملاک برخورداری برابر است. ولی در مورد آموزش عالی ایجاد فرصت برابر؛ این ملاحظه قانون اساسی را می توان در قوانین اجرایی آموزش عالی مشاهده کرد. مثلاً می توان به برقراری سهمیه ویژه مناطق محروم و نیز طبقه بندی کشور بر اساس مناطق مختلف بر اساس میزان نسبی برخورداری از امکانات آموزشی در هنگام پذیرش دانشگاه ها اشاره کرد که خود تلاشی برای تأمین معیار فرصت برابر برای عادلانه بودن در این بخش محسوب می شود.

تأمین و ضمانت حقوق زنان

علاوه بر موارد یاد شده، در اصل ۲۱ قانون اساسی، دولت به طور خاص موظف به تأمین و ضمانت حقوق زنان در همه جهات با رعایت موازین اسلامی است و برای تحقق آن باید به اقداماتی اهتمام ورزد:

۱. ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛
۲. حمایت مادران، به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست؛
۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛
۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست؛
۵. اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

خیراتی که در اصل ۲۱ بدان اشاره شده است تأکیدی بر مفاد یادشده در اصل ۳ به شمار می‌آیند و به طور خاص در حوزه زنان و خانواده برخی از ضروریات بیان شده است. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت و احیای حقوق مادی و معنوی زنان با تدارک برخی از قوانین و اولویت‌های سیاستی و نیز قوانین جاری ممکن و قابل اجراست. اما آنچه باید به طور اصولی بدان عنایت داشت همان است که در اصل ۲۰ آمده و مطابق با آن «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». کلمه «ملت» در واقع این معنی را می‌رساند که حقوق مربوط به تابعین و شهروندان صرف‌نظر از جنسیت، نژاد، دین، و هر قید دیگری مادامی که توسط نفس قوانین محدود نشده باشد محترم و لازم‌الاین و در همه قوانین جاری و اجرایی لازم‌الاجراست و بر حسب اصول کلی قانون اساسی، که مبتنی بر شرع مقدس است، شاکله سایر قوانین و سیاست‌ها را در حوزه زنان نیز مشخص ساخته و زنان و مردان را در قبال برخورداری عادلانه (به حسب مورد و موقعیت) از مواهب اجتماعی ذی‌حق ساخته است. اثر عملی و اجرایی این بند در بسیاری از انتخاب‌ها، تقسیم مناصب و موقعیت‌های شغلی، و ... قابل بررسی است. اما آنچه بسیار حائز اهمیت است آن است که قید «معنوی» در بند ۱ اصل ۲۱ بیانگر آن است که در قانون اساسی مواهب اجتماعی تنها شامل امور مادی صرف نمی‌شوند و روند رشد و تعالی معنوی نیز برای قانونگذار به عنوان یک موهبت اجتماعی بسیار حائز اهمیت بوده است. به عبارت دیگر در این بند هدف رشد شخصیت زن است و این رشد در چارچوب فرامین توحیدی بیان‌شده در اصل ۱ و بر اساس تنها مسیر برای کسب رشد حقیقی تعریف شده و از هر حیث باید بسترهای لازم برای کسب آن فراهم باشد.

قانونگذار بر حمایت مادران، به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست تأکید می‌کند که به تبع آن در بسیاری از قوانین عادی و اجرایی ملزومات آن دیده می‌شود و باید توسط نهادهای تقنینی تکمیل شود. در شرع مقدس اسلام، به عنوان مبنای اصلی قانون اساسی، فرامین حمایتی بسیاری در خصوص زنان برای حمایت خاص از آنان وجود دارد که به حسب مورد به عهده محارم وی یا حاکم شرع و دولت اسلامی قرار داده شده است که مجال پرداختن به آن در این نوشتار نیست. اما آنچه در این مقاله باید روشن شود آن است که خیر عام نهفته در اصول حمایتی زنان چیست و این خیر با چه معیاری توزیع

می‌شود. دقت در این بندهای حمایتی ما را به برخی از مواهب اجتماعی اساسی و مهم همچون سلامت و تأمین کرامت رهنمون می‌سازد (بر اساس بند ۱۲ اصل ۳، بند ۱ اصل ۴۳، بند ۶ اصل ۲). لزوم حمایت‌های ویژه از زنان و مادران به‌خصوص در دوران بارداری از نگاه تأمین سلامت و نیز تضمین کرامت انسانی او در همه شرایط حاکم بر حیات وی از جمله اهداف اصلی قانونگذار بوده است که از طریق اجرای این قوانین درصدد دستیابی همه زنان و مادران به مواهب اجتماعی حاصل از عملی شدن آنهاست.

محیط زیست

علاوه بر مواهب اجتماعی یادشده، مطابق اصل ۵۰، در جمهوری اسلامی مسئله حفاظت از محیط زیست به طور جدی مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس «حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». محیط زیست سالم به عنوان یک موهبت عام بستر حیات و سلامت و استفاده پایدار از آن را فراهم می‌سازد. این مهم به عنوان یک حق عمومی محترم و لازم‌الایفا شناخته شده است؛ به نحوی که حفاظت از موهبت محیط زیست از تکالیفی است که حتی قانونگذار نیز، بر اساس قرارداد اجتماعی و ایجاد تغییر و تحول در قوانین اجرایی، همواره باید به آن اهتمام داشته باشد. شبیه این دیدگاه قانون اساسی در زمینه محیط زیست و عدم امکان نقض توسط قوانین اجتماعی را می‌توان در بیان رالز درباره آزادی‌های اساسی نیز مشاهده کرد. وی این دیدگاه را در قبال آن دسته از آزادی‌ها اتخاذ می‌کند که شرایط سیاسی و اجتماعی لازم را برای توسعه کافی و کاربرد دو قوه اخلاقی (عدالت‌خواهی و نگرش به خیر) در اشخاص به صورت آزاد و برابر فراهم می‌کند و امکان به‌کارگیری و توسعه دو قوه اخلاقی یادشده را فراهم می‌آورد (عربی، ۱۳۹۵: ۱۶۱).

دارایی‌ها و درآمدهای عمومی

درآمدها و ثروت‌های جمهوری اسلامی ایران از دیگر مواهب اجتماعی هستند که قانون اساسی در قبال آنها موضع روشن خود را بیان کرده است. در جمهوری اسلامی ایران، دولت از یک طرف طبق اصول ۴۳، ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۵۳ موظف شده است ضمن اخذ مالیات‌های قانونی زمینه استفاده عادلانه از ثروت و منابع طبیعی را فراهم کند و از کسب درآمدهای

نامشروع و حرام (ثروت‌های بادآورده و غیر مشروع)، اسراف، تبذیر، و اضرار به غیر جلوگیری کند و از طرف دیگر با تعیین حدود مالکیت بخش‌های خصوصی و تعاونی و دولتی به گونه‌ای عمل کند که:

الف) به تداول ثروت در دست عده‌ای خاص منتهی نشود؛

ب) فعالیت‌ها از محدوده قوانین اسلام خارج نشود؛

ج) استقلال اقتصادی جامعه و افراد حفظ شود (ابوالحسنی، ۱۳۸۰: ۱۵۶-۱۵۷).

از این رو درآمدها و ثروت‌های کشور به عنوان اصلی‌ترین مواهب اجتماعی باید بر منوال قانون اساسی به نحوی توزیع شود که همگان از حقوق مشروع خود در قانون بهره‌مند شوند و از آسیب‌ها و عواقب سوءاستفاده از آن‌ها مصون بمانند.

مسکن

در قانون اساسی، تأمین مسکن متناسب با نیاز حق هر فرد و خانواده ایرانی بیان شده و در اصل ۳۱ به صراحت آمده دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترین به‌خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. هرچند تأمین مسکن از مواهب اجتماعی محسوب نمی‌شود و از مواهب خاص به حساب می‌آید، در قانون اساسی حق برخورداری برابر برای همه در نظر گرفته شده و دولت باید فرصت و شرایط برابر ایجاد کند. برای تبیین این نکته می‌توان به درآمد و ثروت اشاره کرد. ثروت و درآمد یک خیر و موهبت شخصی است. اما این امر در بحث توزیع درآمد و منابع در زمره مسائل عدالت توزیعی بررسی می‌شود. همان‌طور که در تعریف مواهب اشاره شد، در عدالت توزیعی منظور از مواهب آن چیزی است که به نوعی برای انسان‌ها خیر محسوب می‌شود و رشد مادی و معنوی آن‌ها به نوعی متوقف بر آن است. ضمن آنکه رقابت افراد برای برخورداری از مواهب نیز محتمل است. مواهب هر دو بعد مواهب اقتصادی (مانند درآمد و ثروت) و اجتماعی (مانند آموزش و سلامت) را در بر می‌گیرد. این مواهب می‌توانند خصوصی یا عمومی باشند. چون حتی در مورد برخی کالای خصوصی توزیع ناعادلانه آن‌ها مخاطرات اجتماعی خاص فراوانی به همراه دارد. تأمین مسکن همانند خوراک و پوشاک و سایر نیازمندی‌های اساسی پیش‌شرط تأمین کرامت انسانی است. از این رو حمایت از نیازمندان برای تأمین مسکن به عنوان اولویت در نظر گرفته شده و آنچه خیر عام یا مشترک است همان کرامت انسانی است. در این اصل نیز

وظیفه دولت ایجاد زمینه برای اجرای این اصل (که احتمالاً به معنای تحقق آن باشد) قید شده است که با توجه به مطرح شدن بحث اولویت (بر اساس ملاک نیازمندی) دولت به حسب امکانات و منابع خود در شرایط مختلف به صورت‌های گوناگون باید تصمیمات لازم را اتخاذ و اجرایی کند.

مناصب و موقعیت‌ها

مناصب و موقعیت‌های موجود در کشور نیز یکی دیگر از مواهب اجتماعی است که قانون اساسی نگرش خود را درباره آن به عنوان یکی از عناصر حیاتی اداره و قوام جامعه ابراز کرده است. امروزه مسائل غیر اقتصادی بسیاری در میزان برخورداری از امکانات و مواهب عمومی اثرگذار است. از این رو مواهب عمومی منحصر به کالاهای عمومی نیست. حتی امروزه به سبب اینکه همه یا اکثر مواهب و تکالیف اجتماعی در کیفیت برخورداری از مواهب اقتصادی تأثیرگذار است تفکیک عدالت اقتصادی از عدالت اجتماعی کم‌رنگ شده است. وجود فرصت‌های متعدد ثروت‌آفرین در تصدی مناصب و تخصیص منابع بر اساس موقعیت‌ها از روشن‌ترین شواهد برای آن است که مواردی مانند مناصب و موقعیت‌ها را در زمره مواهب عمومی قرار دهیم. در قانون اساسی به برخی از این مناصب و موقعیت‌ها اشاره شده است. توجه به توزیع عادلانه مناصب در عالی‌ترین سطوح حاکمیت در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً در اصل ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی که دربرگیرنده شرایط و اوصاف رهبری است علم، عدالت، کفایت، و سلامتی حواس و اعضا از ویژگی‌ها و صفات رهبر شمرده شده است یا در مورد ریاست‌جمهوری در اصل ۱۱۵ آمده است: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور». در قانون اساسی درباره ریاست قوه قضاییه (اصول ۱۵۷ تا ۱۶۳) نیز به طور صریح شرایط خاصی مشخص شده است. اما در خصوص اعضای قوه مقننه شرایط بر عهده قانون عادی گذاشته شده است. بر اساس اصل ۶۷، نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم‌نامه را امضا کنند: «بسم الله الرحمن الرحيم. من در برابر قرآن مجید به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم ... ودیعه‌ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت، و تقوا را رعایت نمایم ...» که این

خود بیان‌کننده برخورداری از استحقاق خاص در خصوص امانت و عدالت و تقواست.

۲-۴. معیار توزیع مواهب اجتماعی

یکی از موضوعات اساسی که باید در خصوص مواهب اجتماعی در قانون اساسی مورد بررسی قرار گیرد پاسخ به این پرسش است که در قاموس قانون اساسی معیار و مناط توزیع مواهب اجتماعی چیست؟ با کدام سنگ محک مواهب اجتماعی را باید در میان افراد حاضر در جامعه تقسیم کرد؟ آیا مواهب اجتماعی را باید به صورت برابر میان همگان تقسیم و توزیع کرد؟ آیا افراد بر حسب لیاقت‌ها مستحق توزیع مواهب اجتماعی می‌شوند؟ آیا برخورداری از برخی استعدادها مجوز یا لزوم توزیع خیرات را برای افراد تحت شمول ایجاد می‌کند؟ مطابق با اصل ۱۹: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». این مسئله در اصل بیستم نیز مورد اشاره قرار گرفته است: «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». اما، با توجه به تفاوت‌های ماهوی در شرایط، برابری حقوق و تکالیف افراد یک اجتماع به معنی تساوی نیست. آنچه ملاک بنیادین در اصل برابری است، در صورت یکسان بودن شرایط همه افراد ملت در شمول قانون، برابری همه آنان در برابر قانون است (لطفی و دهقانیان، ۱۳۹۸: ۷۷۶). قانون اساسی جمهوری اسلامی بر حسب مبانی دین مبین اسلام درصدد توزیع مواهب اجتماعی به صورت عادلانه است.

محور اساسی مورد پذیرش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به‌صراحت در اصل ۱ بیان شده رساندن انسان‌ها به کمال و قرب الهی و ایجاد بسترهای لازم و مناسب برای رشد انسان‌ها به مراتب سعادت و دستیابی به کمال حقیقی است. در این میان حاکمیت جمهوری اسلامی موظف به فراهم ساختن این بسترهای لازم و مناسب بر حسب نیازها و شرایط خاص است؛ ضمن آنکه بر اساس مبانی اسلامی و نیز مراعات تخصیص بهینه منابع نمی‌توان همه مواهب اجتماعی را با یک معیار توزیعی مانند مساوات توزیع و تقسیم کرد. با این توضیح می‌توان گفت هرچند همگان در برخورد نخست در برابر قانون برابرند، این برابری متناسب با شرایط مقید به قیود خاص خود می‌شود. البته در مورد مصادیق باید کمی تأمل داشت. در این زمینه پرسش‌های ثانویه دیگری مطرح

می‌شود که برابری با چه کیفیتی است؟ آیا برابری در صرف برخورداری است؟ آیا برابری در خصوص بهره‌مندی از امکانات است یا شرایط اولیه یا فرصت‌ها؟

ممکن است در برخی موارد «برابری» ملاک توزیع اولیه نباشد و ابتدا با سایر ملاک‌ها و مناطها همچون استحقاق و نیاز و شایستگی افراد از نظر قانون اساسی ذی‌حق محسوب شوند و پس از قرار گرفتن در دایره شمولیت تحت شاخص‌های یادشده در وهله بعد شایسته توزیع خیرات بر اساس برابری باشند. از این رو باید در بررسی‌های ثانویه مشخص شود که برابری در چه چیزی مد نظر قانونگذار بوده است. مثلاً، در خصوص برخی خیرات، مانند حقوق بیان‌شده در مورد زنان، می‌توان از متن قانون به طور قطع استفاده کرد که مواهب اجتماعی یادشده به صورت اولیه با معیار برابری توزیع نمی‌شوند و این ویژگی خاص خلقت خدادادی است که یک سری از مواهب اجتماعی را به آنان اختصاص می‌دهد و مردان در این موارد به طور ابتدایی خارج از دایره قانون محسوب می‌شوند و اساساً قانونگذار صرفاً برای تأمین حقوق زنان امتیازات خاصی قائل شده تا آنان بتوانند به‌خوبی از مواهب اجتماعی بهره‌مند شوند. در قوانین اجرایی برای این امر مواردی چون ممنوعیت ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور به زنان (قانون کار، ماده ۷۵، مصوب ۱۳۶۹/۰۸/۲۹)، ممنوعیت کار شب برای زنان (قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۰۸/۲۹)، ممنوعیت کار برای زنان باردار از شش هفته قبل از زایمان تا چهار هفته بعد از آن (قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۰۸/۲۹)، پیش‌بینی جمعاً ۹۰ روز مرخصی با حقوق برای دوران بارداری و زایمان زنان (قانون کار، ماده ۷۶، مصوب ۱۳۶۹/۰۸/۲۹) را می‌توان نام برد (مهریزی، ۱۳۷۹). نمونه دیگری که ملاک برابری در آن به عنوان یک ملاک بدوی مردود است در دیدگاه قانون اساسی در زمینه تکافل عمومی مشهود است. در اصل ۲۹ آمده است: «مسئله تأمین اجتماعی با حق برخورداری نسبت به آن از نظر بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث و سوانح، و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره» که بند ۱۲ اصل ۳ را مورد تأکید قرار داده است. پرواضح است قیودی که موجب می‌شود افراد بیشتر مشمول حمایت‌های ناشی از مسئولیت دولت اسلامی در قبال تکافل عمومی قرار بگیرند غالباً به استحقاق‌ها و نیازها برمی‌گردد و افرادی به نحو بدوی مشمول تکافل اجتماعی می‌شوند که از ابتدا از ملاک‌های مد نظر قانونگذار برخوردار باشند و سپس با ملاحظه آن ملاک (استحقاق، نیاز، شایستگی، ...)

به تناسب شرایط مشمول برخورداری از مواهب اجتماعی شوند. حتی در خصوص زنان نیز این تفکیک دربارهٔ افراد ناتوان و دارای شرایط خاص به نحو جداگانه در قانون آمده است؛ در بند ۴ اصل ۲۱ به طور ویژه آمده است: «ایجاد بیمهٔ خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست» که خود نگاهی خاص به تکافل عمومی در قبال زنان دارد. بر این اساس می‌توان ملاک‌های توزیع مواهب اجتماعی در قانون اساسی را در قالب معیارهایی چون برابری قانونی، برابری فرصت، و برابری برخورداری طبقه‌بندی کرد.

۱. برابری قانونی

در چارچوب توزیع مواهب اجتماعی معیار «برابری قانونی» به مفهوم تأمین حقوق قانونی و نبود مانع مخالف قانونی برای دسترسی به حق یا حقوق مشخص شده در متن قانون به صورت برابر است. در این ملاک آنچه باید توزیع شود نه از جنس امکانات و شرایط مادی بلکه ضمانت حقوق قانونی است. یکی از مصادیقی که در بند ۷ از اصل ۳ قانون اساسی به صراحت بدان اشاره شده است «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» است. البته اینکه آزادی‌های قانونی کدام‌اند با نگاه به بخش‌های مرتبط در قانون اساسی و برخی قوانین عادی روشن می‌شود. در قانون اساسی برخی از موارد در خصوص مصادیق و کم‌وکیف آزادی به صراحت بیان شده است. فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با الهام از مبانی تفکر اسلامی، انواع آزادی‌های اساسی مردم— که شامل آزادی اشتغال (اصل ۲۸: در ضمن آن هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست)، آزادی عقیده (اصل ۲۳)، آزادی بیان (اصل ۲۴)، آزادی اجتماع عمومی یا موقت (اصل ۲۷) یا آزادی اجتماعات دائمی یا آزادی مجامع و انجمن (اصل ۲۶)، آزادی تعلیم و تربیت (اصل ۳۰)، آزادی انتخاب محل اقامت (اصل ۳۳)، آزادی انتخاب تابعیت (اصول ۴۱ و ۴۲) می‌شود— را مورد حمایت و توجه قرار داده و در حد ضرورت برای حفظ آزادی دیگران و مصالح عمومی و ارزش‌های اسلامی برخی از موارد را محدود و مقید کرده است (موسوی و سلمانیان، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

۲. برابری فرصت

آنچه در معیار «برابری فرصت» برای توزیع عادلانه در جامعه دنبال می‌شود مستلزم اقدامات ایجابی بیشتری نسبت به «برابری قانونی» است. اگر در معیار برابری قانونی صرفاً

تأمین برابری حقوق قانونی مد نظر بود، در برابری فرصت قانون‌گذار به مواردی اشاره می‌کند که مطابق متن قانون باید به ایجاد فرصت یا فرصت‌های برابر برای دستیابی به آن‌ها اقدام شود. به بیان دیگر در اینجا آنچه باید عادلانه توزیع شود فرصت برابر برای همهٔ مشمولان دارای حق در قانون با هدف فراهم‌سازی امکان دستیابی به مواهب مد نظر قانون است.

در مفاد متعدد در قانون اساسی رویکرد ایجابی به لزوم تأمین فرصت‌های برابر وجود دارد. مثلاً در بند ۱۴ از اصل ۱ آمده است: «تأمین حقوق همه‌جانبهٔ افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون». در این بند به صراحت بیان شده که در خصوص عدالت در حوزهٔ قضایی معیار عادلانه بودن تساوی است. این امر یعنی ملاک تساوی در برابری نسبت به فرصت‌های دادخواهی و حقوقی، با توجه به قرینهٔ دیگر موجود در اصل ۳۴، تأیید می‌شود که در این خصوص همهٔ افراد ملت حق دارند به دادگاه‌ها دسترسی داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد و همه باید به طور برابر از این فرصت بهره‌مند باشند. به عبارت دیگر اگر بخواهیم امنیت قضایی عادلانه را چنان که قانون در نظر گرفته است ایجاد کنیم ملزم به اقدامات قضایی ویژه و متناسب با آن خواهیم بود. مثلاً برخی موارد مانند هزینه‌های مالی برای اخذ وکیل یا طرح دعوا و سایر موارد مشابه از لوازم امنیت قضایی است که صرفاً با اقدامات قانونی ایجاد نمی‌شود.

همین رویکرد توزیعی در زمینهٔ اشتغال دیده می‌شود. در اصل ۲۸، که در واقع تأکیدی بر یکی از مفاد بند ۱۲ اصل ۳ است، دولت موظف است برای هر فرد شرایط لازم برای ایجاد شغل مورد علاقهٔ وی را به نحوی که مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست مهیا سازد. ضمن آنکه در بند ۲ از اصل ۴۳ بر این نکته تأکید شده است. بر این اساس دولت با توجه به نیاز جامعه به مشاغل گوناگون موظف به ایجاد فرصت برابر برای همهٔ افرادی است که از امکان اشتغال به کار برخوردارند. این شرایط نیز صرفاً شرایط قانونی محض نیست. واضح است که برای فراهم شدن شغل و کسب‌وکار متناسب با افراد جامعه لازم است بسترهایی چون دسترسی به انواع آموزش‌های مرتبط به صورت ایجابی مهیا شود.

بند ۸ از اصل ۳ نیز مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی را با رویکرد توزیعی برابری فرصت برای همهٔ افرادی محق می‌داند که از شرایط سنی و قانونی برخوردارند. در این موارد نیز روشن است که اگر صرفاً برابری قانونی مطرح باشد نمی‌توان

فرصت برابری برای همه را متصور شد. بسیاری از افراد ممکن است در شرایط نابرابر ناچار به انصراف شوند یا به فروش حقوق خود اقدام کنند. تحقق این مهم مستلزم اقدامات ایجابی مرتبط برای جلوگیری از مخاطراتی چون سوءاستفاده و تغییر آرای محرومان خواهد بود. در نهایت می‌توان ملاک توزیع بر اساس برابری فرصت را مطابق با بند ۳ از اصل ۳ قانون در حوزه آموزش عالی مشاهده کرد. در این ماده قانونی قانون‌گذار به دنبال «تسهیل و تعمیم آموزش عالی» بوده و لازمه این امر توزیع فرصت‌های برابر است.

۳. برابری برخورداری

معیار «برابری برخورداری» گستره توزیعی بیشتری نسبت به برابری قانونی و فرصتی دارد. در این ملاک، علاوه بر وجود حق در چارچوب قانونی و لزوم دارا بودن فرصت، لازم است امکان دسترسی عملیاتی فراهم شود. در این صورت تکلیف قانونی بر عهده مجری آن تحقق عینی موهبت برای افراد مورد استحقاق خواهد بود. می‌توان موارد متعددی را در قانون اساسی از لسان قانون دریافت که در ضمن آن ملاک توزیع برخورداری از سوی قانونگذار مد نظر بوده است. آموزش و پرورش عمومی از جمله مصادیق مواهب اجتماعی است که مطابق با سیاق اصل ۳۰ مشمول این ملاک قرار می‌گیرد. بر این اساس دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد. موضوع تأمین تغذیه نیز در بند ۳ اصل ۱۲ به همین منوال است. همچنین بند ۱ از اصل ۴۳، ضمن تأکید مجدد بر تأمین و برخورداری همگانی آموزش و پرورش و تغذیه، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان را نیز در این حوزه قرار داده است. در بخشی از این اصل آمده است: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش، و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید

با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد».

توجه مجدد به این نکته خالی از لطف نیست که در قانون اساسی تنها امکانات و شرایط مادی نیست که باید به عنوان خیرات اجتماعی تأمین شود و مورد توزیع قرار گیرد؛ بلکه تنها ایجاد بسترهای رشد برای تعالی معنوی از مهم‌ترین مقاصد است که به عنوان یک هدف غایی دنبال شده است. بند ۱ از اصل ۳ فراهم کردن محیط اجتماعی مساعد برای رشد فضایل اخلاقی را مد نظر قرار داده و مطابق با لسان قانون برابری برخورداری نسبت به این موهبت باید مد نظر قرار گیرد.

۲-۴. مواهب اجتماعی بین چه کسانی باید توزیع شود؟

در عدالت اقتصادی و اجتماعی توزیع عادلانه باید بین چه کسانی صورت گیرد؟ سومین پرسشی که در قبال مسئله مواهب اجتماعی در قانون اساسی باید روشن شود این است که پس از روشن شدن مصادیق و معیارهای توزیع مواهب اجتماعی چه افرادی در دایره توزیع قرار می‌گیرند که باید در زمینه تأمین خیرات برای آن‌ها اقدام شود؟ در عدالت اقتصادی و اجتماعی توزیع عادلانه باید بین چه کسانی صورت گیرد؟ آیا خیرات اختصاص به نسل حاضر دارد یا عدالت بین‌نسلی باید مد نظر قرار گیرد؟ آیا ملیت و ایرانی بودن حائز اهمیت است؟ آیا دین و مذهب ملاک شمولیت است؟ آیا صرف برخورداری از ملیت کفایت می‌کند یا محدوده جغرافیایی در این امر تعیین‌کننده است؟ این‌ها و برخی از مسائل دیگر نکاتی هستند که باید از دیدگاه قانون اساسی روشن و پاسخ آن‌ها بیان شود.

در اصل ۱۹ آمده است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان، و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». در اصل ۲۰ نیز بیان شده: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». و بر اساس اصل ۴۰ «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». اما نکته قابل توجه و مهم را می‌توان در اصل ۱۵۴ یافت که قانونگذار بیان می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همهٔ مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری

کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». در واقع این اصل به‌صراحت حق برخورداری را حداقل در زمینه برخی از مواهب اجتماعی مانند آزادی حقی عامه و فراتر از دین و ملیت و مذهب به رسمیت می‌شناسد و روح بلند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به‌خوبی نشان می‌دهد. این در حالی است که به‌صراحت بسیاری از دایره حق برخورداری در زمینه برخی مواهب اجتماعی محروم و ممنوع شده‌اند؛ مثلاً در اصل ۱۵۳ قانون اساسی آمده است: «هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش، و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است». از این رو قانونگذار مانع از این شده است که حق برخورداری نسبت به برخی مواهب اجتماعی و عامه موجب تسلط بیگانگان و به طور خاص افراد غیر ایرانی بر منابع و شئون داخلی ایران شود. در بند ۱۴ اصل ۱ آمده است: «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون». در این بند، همان‌طور که آمد، به‌صراحت بیان شده است که در خصوص عدالت در حوزه قضایی معیار عادلانه بودن تساوی است و قید «برای همه» نیز به‌روشنی بیان می‌کند افرادی که موضوع عدالت شهروندان هستند.

نتیجه‌گیری

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بالاترین سند بالادستی حقوقی است که بر اساس موازین شرع مقدس اسلام نگاشته شده و قانونگذار تلاش کرده است در جهت ارائه پاسخ به نیازهای حقوقی کشور به بهترین نحو اصول اساسی خود را ارائه کند. از سویی مسیر رشد و تعالی جوامع اسلامی برای دستیابی به اهداف عالی خود از گذرگاه مهم و حیاتی عدالت عبور می‌کند و بدون موفقیت در این مسیر سعادت بشری محقق نخواهد شد. مواهب اجتماعی به منزله عام‌ترین و البته جدی‌ترین حق، که باید به نحو عادلانه توزیع شود، همواره به مثابه یک موضوع مهم جولانگاه و معرکه آرا بوده است و در این میان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان عالی‌ترین سند کشور، در این موضوع و عوارض ذاتی آن ساکت نبوده است. این پژوهش با سه پرسش اصلی به موضوع مواهب اجتماعی در قانون اساسی پرداخته است. اول اینکه در قانون اساسی مواهب اجتماعی کدام‌اند؟ دوم اینکه معیار توزیع این خیرات چه مناطقی است؟ و در نهایت آنکه مواهب اجتماعی باید بین چه کسانی توزیع شود؟

موارد گوناگونی از مواهب اجتماعی در ضمن بررسی و تحلیل اصول و بندهای موجود در قانون اساسی احصا و مدون شد که از آن جمله می‌توان به تأمین محیط اخلاقی، آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان در همه سطوح، تقویت پژوهش، استقلال ملی همه‌جانبه، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، فراهم کردن امکان مشارکت، آموزش نظامی عمومی، امنیت، مسکن، خوراک، بهداشت، تأمین اجتماعی، اشتغال، محیط زیست سالم، دسترسی عمومی به فرایند دادخواهی و قضایی، و ... اشاره کرد. این موارد همراه مواد قانونی مرتبط با آن‌ها در جدول ۱ اشاره شده است.

جدول ۱.

ردیف	موهبت اجتماعی	اصل	بند	معیار توزیع	افراد مشمول
۱	آزادی‌های سیاسی و اجتماعی قانونی	۳	۷	برابری قانونی	همه ملت ایران
۲	آموزش عالی	۳	۳	برابری فرصت	همه ملت ایران
۳	آموزش و پرورش عمومی	۳	۳	برابری برخوردارانی	همه ملت ایران
۴	سلامت - بهداشت	۳	۱۲	برابری قانونی ^{۱۱}	همه ملت ایران
۵	پیگیری و امنیت قضایی	۳	۱۴	برابری فرصت	همه ملت ایران
۶	تغذیه	۳	۱۲	برابری برخوردارانی ^{۱۲}	همه ملت ایران
۷	شرایط و امکانات اشتغال	۴۳	۲	برابری فرصت ^{۱۳}	همه ملت ایران
۸	بهره‌برداری از منابع طبیعی	۴۸	-	برابری برخوردارانی ^{۱۴}	همه ملت ایران؛ همه نسل‌ها
۹	مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی	۳	۸	برابری فرصت	همه افرادی که از شرایط سنی و قانونی

برخوردارند					
همه ملت ایران	برابری برخورداری	۱	۳	محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی	۱۰
همه نسل‌ها	برابری برخورداری	-	۵۰ ۴۸	محیط زیست سالم	۱۱

بررسی متن و سیاق قانون اساسی نشان می‌دهد قانون‌گذار هر یک از مصادیق مواهب اجتماعی احصاشده را با معیار و مناط متناسب با اهداف غایی خود و بر اساس شرایط خاص موهبت اجتماعی مورد نظر و جامعه هدف آن موهبت اجتماعی توزیع می‌کند. مثلاً از معیار برابری ابتدایی همگان در خصوص موهبت اجتماعی آموزش و پرورش استفاده می‌کند یا مناط نیاز را برای سالخوردگان و نیز تأمین اجتماعی به کار گرفته است و توزیع برخی دیگر از مواهب اجتماعی را بر عهده شاقول معیارها چون استحقاق و شایستگی نهاده است که البته باید متناسب با شرایط خاص هر یک بررسی و توزیع شود.

نگرش غالب قانونگذار در خصوص جامعه هدف توزیع مواهب اجتماعی، در بیشتر موارد، نگرشی عام و فراگیر است؛ به نحوی که بر اساس عدالت بین‌نسلی همه نسل‌ها را مدنظر قرار می‌دهد و رنگ، نژاد، زبان، و مانند این‌ها را سبب امتیاز بخشی از جامعه برای رجحان‌دهی و اعطای استحقاق بیشتر نمی‌داند. البته به منظور تحقق عدالت حقیقی قائل به توزیع ویژه و خاص برای برخی مواهب اجتماعی بر اساس شرایط و موارد موجود در نوع خیرات یا جامعه هدف هست که در آن صورت برخی از ویژگی‌ها مانند ملیت و جنسیت و ... را مدنظر قرار داده است.

یادداشت‌ها

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند. خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است. (حدید: ۲۵).

2. corrective justice

3. procedural justice
4. distributive justice
5. public goods
6. formal legal opportunity
7. real legal opportunity
8. positive
9. libertarians
10. negative virtue

۱۱. در حوزه بهداشت عمومی می‌توان معیار برابری برخورداری را از لسان قانون برداشت کرد.
۱۲. در قبال حداقل مواد غذایی.
۱۳. البته باید دقت داشت از انتهای این بند قانونی این‌گونه برداشت می‌شود که فراهم شدن این هدف مستلزم برنامه‌ریزی عمومی و طی شدن مراحل مربوط است و برابری فرصت به عنوان آرمان نهایی و نه هدف نقطه‌ای و در هر لحظه است.
۱۴. در این مورد متن قانون علاوه بر ایجاد برابری برخورداری بر ایجاد توازن منطقه‌ای هم تأکید داشته است.

منابع

کتاب

- دادگر، ی.، و رحمانی، ت. (۱۳۸۴). *مبانی و اصول علم اقتصاد*. قم: بوستان کتاب.
- طوسی، ن. (۱۳۶۴). *اخلاق ناصری*. تهران: خوارزمی.
- عربی، س. ه. (۱۳۹۵). *نظریات عدالت توزیعی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- الفارابی، ا. (۱۳۶۳). *فصول منتزعه*. تهران: مکتبه الزهرا سلام‌الله‌علیها.
- معین، م. (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. تهران: زرین.

مقالات

- ابوالحسنی هستیانی، ا. (۱۳۸۰). بررسی اصول (اقتصادی) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *دین و ارتباطات*، ۱۳ و ۱۴، ۱۴۷-۱۸۸.
- پيله‌فروش، م. (۱۳۹۴). الگوی توسعه اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *مجلس و راهبرد*، ۸۲، ۵-۳۳.
- جعفری صمیمی، ا.، زرین‌اقبال، ح.، زیبایی، م.، و درخشانی درآبی، ک. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی اقتصاد بخش عمومی در الگوی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های رفاه. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۶ (۱)، ۴۹-۷۱.
- حاجیلویی محب، م. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی اهداف عدالت‌ورزانه حکومت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و *نهج‌البلاغه*. *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۲۰، ۸۳-۹۹.

- کدخدایی، ع.، و عباسیان، م. (۱۳۹۹). مبانی نظری عدالت اقتصادی در پرتو کارآمدی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰(۱)، ۱-۲۱.
- کعبی، ع. (۱۳۸۳). حقوق مثبت و حقوق منفی. *ضمیمه خردنامه همشهری*، ۴۴، ۵-۶.
- لطفی، ع.، و دهقانیان، ر. (۱۳۹۸). اصل برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۸۱، ۷۶۳-۷۷۸.
- موسوی بجنوردی، س. م.، و سلیمانیان، م. (۱۳۸۵). بررسی فقهی- حقوقی حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *متین*، ۸(۳۰)، ۸۳-۱۲۰.
- مهریزی، م. (۱۳۷۹). زن در قانون اساسی و قوانین موضوعه. *پیام زن*، ۹۷.
- پایان نامه‌ها یا طرح‌های پژوهشی**
- فاضل، ک. (۱۳۹۳). *جایگاه عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر*. [رساله کارشناسی ارشد]. دانشگاه تهران. پردیس قم.

References

Books

- Al-Farabi, A. (1984). *Fosoole Montaze'e*. Tehran: Al-Zahra School. (in Persian)
- Arabi Seyyed H. (2015). *Nazariate Edalate Toziei*, Qom: Hozha and University Research Institute. (in Persian)
- Compbell·tom(2001)؛ justice·second edition·London: macmillan press.
- Compbell·tom(2001)؛ justice·second edition·London: macmillan press.
- Dadger, Y., Rahmani, T. (2014). *Mabani va Osoole Elme Eqtesad*. Qom: Bostan Kitab. (in Persian)
- Moin, M. (2007). *Farhang Moin*, Tehran: Zarin. (in Persian)
- Tusi, N. (1984). *Akhlaghe Naseri*. Tehran: Kharazmi. (in Persian)

Articles

- Abolhasani Hastiani, A. (2001). Barresi Osoole Eqtesadie Ghanoon Asasi Jomhuri Eslami Iran. *Religion and Communication*, 13 and 14, 147-188. (in Persian)
- Hajilo Moheb, M. (2016). A comparative study of the government's goals of justice In the Constitution of Islamic Republic of Iran and the Nahj al-Balagha, *Islamic Revolution Research*. 20, 83-99.
- Jafari Samimi A., and Zareen Iqbal H., and Zibai M., and Derakhshani Darabi K., (2015). Comparative Study of the Public Sector in the Economic Model of I.R.I. Constitution and Economies of Welfare States. *Economic research (Sustainable Growth and Development)*. 16 (1), 49-71.
- Kaabi, A. (2004). Hoquqe Mosbat va Hoquqe Manfi. Addendum to *Khrodname Hamshahri*, 44, 5-6. (in Persian)

- Kodkhodaei, A. and Abbasian, M. (2019). Theoretical Fundamentals of Economic Justice in the Light of Effectiveness in Constitutional Law of Islamic Republic of Iran. *Public Law Studies*. 50 (1), 1-21.
- Konow, J. (2003). "Which Is the Fairest One of All? A Positive Analysis of Justice Theories." *Journal of Economic Literature* 41(4): 1188-1239.
- Konow, J. (2003). "Which Is the Fairest One of All? A Positive Analysis of Justice Theories." *Journal of Economic Literature* 41(4): 1188-1239.
- Lotfi, A., Dehghanian, R. (2018). The Principle of Equity in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *The Knowledge Studies in the Islamic University*. 81, 763-778.
- Mehrzi, M. (2000). Women are subject in the constitution and laws. *Woman message* 97.
- Mousavi Bejnvardi, Seyyed M., Suleimani, M. (2006). A Jurisprudential-Legal Study of Fundamental Rights in the Chapter 3 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Matin Research Journal*, 8(30), 120-83.
- Pileh Forosh, M. (2014). Islamic Republic of Iran's Constitution's Economic Development Model. *Majlis and Strategy*, 82, 5-33.

Theses or research projects

- Fazel, K. (2013). The position of social justice in the Constitution of the Islamic Republic of Iran and international human rights documents. [Master thesis]. University of Tehran, Qom campus.